

اعتبارهای بانکی، ابزاری برای تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه نقدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۲/۲۷

* حسن سبحانی

** محمد جعفری نژاد

چکیده

از آنجا که در مطالعه‌های مربوط به بانکداری بدون ربا بحث درباره کارویژه بانک یعنی خلق اعتبار اهمیت بسیاری دارد، مقاله پیش رو با هدف بحث عمیق‌تر درباره خلق اعتبار بانکی سامان‌دهی شده و طی آن شکل‌گیری سازوکار خلق اعتبار بررسی شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اعتبار به عنوان سرمایه اجتماعی می‌تواند در مبادله‌ها انتقال زمانی پدید آورده و واسطه موقت مبادله شود؛ اما شکل‌گیری این اعتبار نیازمند کنش‌های متقابل مبتنی بر اعتماد است که فرایند آن زمان‌بر است. بانک با گرفتن وثیقه‌های گوناگون و تبدیل اعتماد به اطمینان، برای افراد خلق اعتبار کرده؛ سپس با پولی کردن این اعتبار به افراد وام می‌پردازد. در حقیقت با توجه به این سازوکار، سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌شود و واسطه موقت مبادله‌ها جای خود را به واسطه اصلی مبادله می‌سپارد. این نوع نگاه به چگونگی شکل‌گیری بانک و فرایند فعالیت آن می‌تواند پرسش‌هایی مانند محدود بودن فعالیت بانک‌های خصوصی در بانکداری بدون ربا یا رابطه میان فعالیت بانکداری با تداول و تکاثر ثروت و ... را مطرح کند و سرفصل مناسبی برای مطالعه‌های عمیق‌تر درباره بانکداری اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خلق اعتبار، اعتبار در حوزه تخصیص و تجهیز، بانکداری جزئی، بانکداری بدون ربا.

طبقه‌بندی JEL: E51، E50، A13.

۶۴

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال چهاردهم / شماره ۵۶ / زمستان ۱۳۹۳

Email: sobhanihs@ut.ac.ir.

Email: mohammad.jafarinejad@gmail.com.

*. استاد اقتصاد دانشگاه تهران.

** . کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران.

مقدمه

تجهیز و تخصیص منابع، یعنی جمع‌آوری وجوه مالی از افراد دارای مازاد و اختصاص آن به متقاضیان دریافت وجوه و افراد دارای کسری، مستلزم شکل‌گیری اعتبار و اعتماد میان بانک، سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان است که در قالب سازوکار فراهم‌آوردن و اعطای اعتبار در نظام بانکی انجام می‌شود. عملکرد بانک‌ها نیز مبتنی بر ذخیره جزئی و فرایند خلق اعتبار در نظام بانکی، مبتنی بر شکل‌گیری اعتبار و اعتماد به فعالیت‌های بانکی است. در حقیقت بانک‌ها، خریداران و فروشندگان پرداخت‌ها در آینده هستند؛ چرا که این نهادها با قبول سپرده و پس‌انداز افراد نزد خود در عمل پرداخت جاری افراد را با قول پرداخت در آینده به وسیله خود معاوضه می‌کنند و زمانی که از این منابع استفاده کرده و به متقاضیان وام می‌دهند، در عمل پرداخت جاری خود را با قول پرداخت وام‌گیرنده در آینده تعویض می‌کنند (مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳).

این «انتقال زمانی» مشخصه اصلی نظام اعتباری است که باید چگونگی و زمینه‌های شکل‌گیری آن مورد بررسی دقیق واقع شود. در این صورت می‌توان دلالت‌هایی را برای مطالعه‌های عمیق‌تر درباره بانکداری بدون ربا استخراج کرد. در مقاله پیش رو این نکته مهم عمیق‌تر بررسی می‌شود.

از آنجا که در قانون بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳۶۲، عمده‌ترین تغییر قانونی درباره اصلاح سازوکار نظام بانکی با هدف حذف ربا بوده است، تأمل بایسته‌ای درباره مسائل ریشه‌ای و تعیین‌کننده سازوکار حاکم بر خلق اعتبار در بانک‌ها که همانا پیامدهای وسیع اقتصادی-اجتماعی دارد به عمل نیامده است. در حالیکه به نظر می‌رسد برای اصلاح نهاد بانک یا به‌کارگیری آن در جامعه اسلامی باید ابتدا (و پیش از پرداختن به اصلاح سازوکار) مبانی شکل‌گیری نظام بانکی و سازوکار آن در خلق اعتبار و احکام آن بررسی شود تا مشخص شود که آیا این نهاد می‌تواند در یک نظام اقتصادی، اجتماعی معطوف به آموزه‌های دینی کارکردهای متناسب با دیگر اجزای نظام را داشته باشد یا خیر. مقاله پیش رو درصدد است که بتواند به عنوان مدخلی برای گسترش چنین مطالعه‌هایی واقع شود.

پیشینه تحقیق

مطالعه‌های مربوط به بانک و سازوکار خلق اعتبار را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

کتاب‌ها و مطالعه‌های مربوط به تاریخ شکل‌گیری پول و بانک

در اصل آنچه درباره شکل‌گیری بانک‌ها و خلق اعتبار در بسیاری از کتاب‌ها می‌توان دید بیشتر نگاه تاریخی به شکل‌گیری بانک و اعتبار، آن هم از نوع نقل تغییرهای قابل مشاهده تاریخی است و نقد تحلیلی تاریخ شکل‌گیری پول و بانک و به ویژه پرداختن به ریشه‌ها و جریان‌های علت و معلولی جایگاهی ندارد؛ به طور مثال برای نگاه تاریخی به شکل‌گیری پول و بانک و اعتبار می‌توان به کتاب **تاریخ پول نوشته مورگان، مباحثی در تئوری و تاریخ بانکداری نوشته چارلز دونبار** یا کتاب **تاریخ بانک و بانکداری نوشته ژان ریو وار** و ترجمه شیرین هشتروندی مراجعه کرد.

کتاب‌ها و متن‌های آموزشی پول و بانک

در این کتاب‌ها بیشتر چگونگی عملکرد بانک‌ها و سازوکار خلق و اعطای اعتبار بحث شده است.

کتاب‌ها و مطالعه‌های مربوط به درون‌زایی عرضه پول و بانکداری جزئی

آنچه سبب پذیرفته‌شدن و رواج فرض برون‌زایی عرضه پول و نگرش مرسوم سازوکار پدیدساختن پول شد، برون‌زا در نظر گرفتن عرضه پول به وسیله کینز در کتاب نظریه عمومی و کارهای گسترده پولیون از جمله فریدمن بود.

نخستین اقتصاددان نئوکینزین که فرض برون‌زایی عرضه پول و لزوم کنترل عرضه پول و مقررات سفت و سخت بر بانک‌های تجاری را مورد تردید قرار داد توبین بود.

نئوکینزین‌ها برای درون‌زایی عرضه پول به طور عمده روی واکنش ذخیره‌های اضافی یا ذخیره‌های آزاد نسبت به تغییرهای نرخ بهره بازار تمرکز کردند. **گلدفلد، تیجن و دیلیو** کم‌وبیش به شیوه‌های مشابهی به طرح درون‌زایی عرضه پول به شکل پیش‌گفته پرداخته‌اند. به نظریه درون‌زایی عرضه پول در تحلیل‌های بعد کینزین‌ها به‌طور جدی توجه شد. **دیوید سن** با موشکافی در کتاب **رساله‌ای درباره پول و نظریه عمومی کینز** نشان می‌دهد

که کینز عرضه پول را درون‌زا می‌دانسته است و اعتبار را همچون جاده‌ای در نظر می‌گرفته است که تولید بر روی آن سفر می‌کند (رحمانی، ۱۳۷۹).

نخستین دیدگاه‌ها با گرایش انتقادی در برابر بانکداری ذخیره جزئی را باید در باورهای ریکاردو و پیشنهاد وی برای اصلاح نظام بانکداری انگلیس جست‌وجو کرد. پژوهش آلفرد دریمون درباره اختلاف پیش‌گفته میان ارزش فلزات موجود و ارزش اوراق تنزیل شده در بانک فرانسه، نگاه انتقادی دیگری بر روش بانکداری ذخیره جزئی است.

عدم پاسخ‌دهی نگرش اعتبار محض به پایداری نظام بانکی، تأکید بر قیمت پول در این روش به رسمیت شناختن نرخ بهره مثبت و بی‌توجهی به ساختار سرمایه و تولید و تناسب آن با تقاضای اعتباری، الگوی ذخیره صددرصدی را به عنوان راهکار جانشین مطرح کرد؛ از این‌رو بانکداری ذخیره صددرصدی که به الگوی کلاسیک شیکاگو منتسب است را در نقطه مقابل روش اعتباری محض قرار داد. در این جهت ایده ذخیره صددرصدی پول با دیدگاه اندیشه‌ورانی چون فیشر، سیمونز، موریس آلّه در هم آمیخته است. پذیرش حذف خلق اعتبار بانکی، کنترل عرضه پول و توجه به ثبات و پایداری نظام مالی از اموری است که در این رویکرد به آن توجه شده است (دلالی اصفهانی، ۱۳۹۰).

کتاب‌ها و مطالعه‌های تحلیلی درباره پول و اعتبار

نگاه‌های تحلیلی را گاه می‌توان در کتاب‌هایی تحت عنوان **تئوری سرمایه** مشاهده کرد. افزون بر آن نگاه تحلیلی درباره شکل‌گیری بانک‌ها را در آثار برخی مارکسیست‌ها نیز می‌توان یافت. هرچند نگاه آنها به خلق اعتبار و سازوکار آن را باید با مطالعه تحلیلی آثارشان استخراج کرد؛ به طور مثال مارکس در آغاز فصل ۲۵ سرمایه مجلد سوم می‌گوید: «تجزیه و تحلیل کامل نظام اعتبار و ابزارهایی که برای استفاده خودش پدید می‌آورد (اعتبار، پول و ...) از محدوده طرح ما خارج است»؛ اما با این حال در تحلیل‌های مارکس بیان می‌شود که امکان مناسب‌های اعتباری از کارکرد پول به مثابه ابزار پرداخت سرچشمه می‌گیرد و محصول «ماهیت ذاتی» شکل تولید سرمایه‌داری و در ذات «مفهوم» آن نهفته است (روسدولسکی، ۱۳۸۹، ص ۵۳۵).

کارها و تحقیق‌های لودویگ فون میزس و مورای روتبارد که هر دو از پیروان بنیان‌گذار مکتب اتریشی یعنی کارل منگر بودند، درباره تولید پول را نیز می‌توان در این‌دسته جا داد. میزس نظریه پول و بانکداری را با نظریه ارزش ذهنی درهم آمیخت و از تحلیل کلان مبتنی بر سنت واقع‌گرایی بهره جست. پس از آن و با اقدام‌های روتبارد نظریه اتریشی پول به شکل فعلی‌اش درآمد. روتبارد نه‌تنها دکترین استادش را گسترش داد، بلکه جنبه‌های اخلاقی را نیز دوباره به میان آورد و با استفاده از آن به نقد پول کاغذی و بانکداری اندوخته کسری پرداخت (هولسمن، ۱۳۹۲، ص ۲۴-۲۳).

مطالعه‌های تحلیلی درباره پول را در آثار برخی جامعه‌شناسان نیز می‌توان یافت؛ به طور مثال زیمل کتاب *فلسفه پول (philosophie des geldes)* را در سال ۱۹۰۰ منتشر کرد. در این کتاب زیمل پول را به هر پدیده اجتماعی قابل‌تصور مربوط می‌کند و در حقیقت درباره ارتباط غیرقابل قطع بین پول، فرد و سرانجام جامعه مدرن در کلیت آن بحث می‌کند (اصغرپور، ۱۳۸۶).

ماکس وبر نیز از نقش اقتصاد پولی در کارهای متأخر خود، به‌ویژه در اثری که بعد از مرگش به نام *اقتصاد و جامعه* به چاپ رسید، بحث می‌کند.

اعتبار و انواع آن

اعتبار معانی گوناگونی دارد: ستایش و احترامی که به خاطر اقدام، کیفیت و ... صورت می‌گیرد، منبع فخر مباهات و احترام، اتصاف یا تصدیق چیزی به عنوان حق یا نسبت شایسته به شخص، مؤسسه یا ... (Jason, 2011, p.6).

اعتبار در فرهنگ لغات فارسی نیز معانی گوناگونی دارد که البته همه آنها منتقل‌کننده یک معناست؛ به طور مثال موارد ذیل در معنای اعتبار در لغت‌نامه‌ها آمده است:

قول و اعتماد، آبرو، قدر، پایه، منزلت، تدین، احترام و بزرگی، مردانگی، پایداری، بزرگ‌منشی (ناظم الاطباء)، اعتماد (فرهنگ نظام)، اعتماد و اطمینان، آبرو، ارزش، قدر، منزلت (فرهنگ فارسی معین) اعتماد، قدر، منزلت و آبرو (فرهنگ عمید).

بررسی‌های گوناگون در ارتباطات انسانی، به طور عمده بیان‌گر وجود سه نوع اعتبار است که عبارت‌اند از اعتبار مقدماتی، اعتبار ثانوی و اعتبار نهایی.

اعتبار مقدماتی یا عرضی به اعتباری اطلاق می‌شود که عامل ارتباطی پیش از ورود به فرایند ارتباطی مورد نظر از آن برخوردار است (فرهنگی، ۱۳۸۸).

اعتبار مقدماتی اغلب از عنوان، سمت، پیشینه و ... فرد سرچشمه می‌گیرد و بر آن متکی است. در هر فرا گرد ارتباطی، فرد می‌تواند در طول ارتباط برای خود اعتباری کسب کند که دیگر وابسته به عنوان، سمت و پیشینه وی نیست. به این نوع اعتبار، اعتبار مشتق یا ثانوی گفته می‌شود. در بسیاری از موارد افراد می‌کوشند در حین یک کنش اجتماعی یا ارتباط با دیگران این اعتبار را افزایش داده و حد آن را بالا آورند.

اعتبار نهایی اعتباری است که فرد احساس می‌کند پس از پدیدساختن یک رابطه میان کنشی با دیگران به دست آورده است؛ به عبارت دیگر، دیگران پس از وقوع یک رابطه درمی‌یابند که فرد مورد نظر چه اعتباری دارد. این اعتبار نهایی محصول برخوردهای اولیه یا برخوردهای مکرر است. در ضمن قسمت اعظم آن از راه اعتبار ثانوی شکل می‌گیرد و اگر این برخوردها شکل نگرفته باشد اعتبار نهایی نیز حاصل نمی‌شود (همان).

به‌طور کلی از مجموع بررسی‌های گوناگون می‌توان نتیجه‌های زیر را درباره شکل‌گیری و ریشه‌های اعتبار در اجتماع به دست آورد:

الف) اعتبار (به‌ویژه اعتبار ثانوی و نهایی) محصول کنش‌ها و ارتباط‌های گوناگون در بستر اجتماع است. در اصل اعتبار در روابط شکل می‌گیرد و چنانچه فرد جدای از اجتماع و ارتباط مدنظر قرار گیرد، اعتبار یا عدم اعتبار درباره وی مصداق نمی‌یابد. به بیان دیگر صحبت از مقوله اعتبار بر مبنای روابط اجتماعی استوار است (آگبرن، ۱۳۵۰، ص ۵۵).

ب) شکل‌گیری اعتبار در بستر اجتماع معلول کسب مقدماتی است؛ به طور مثال حسن شهرت، شخصیت، کسب اعتماد و صلاحیت و ... که زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتبار اجتماعی هستند یک‌شبه پدید نمی‌آیند و کسب این مقدمه‌ها زمان‌برست.

ج) اصلی‌ترین ریشه شکل‌گیری اعتبار در روابط اجتماعی، اعتماد است. در اصل اعتبار فرد زمانی شکل می‌گیرد که اعتماد در رابطه با آن فرد پدید بیاید. ما افرادی را معتبر می‌دانیم که به آنها اعتماد داریم. کسب این اعتماد خود نیز از شناخت متقابل سرچشمه می‌گیرد.

اعتبار به عنوان یک سرمایه اجتماعی

در چند دهه گذشته سرمایه اجتماعی در زمینه‌های گوناگون به عنوان یکی از شاخص‌ترین مفهوما در علوم اجتماعی پدیدار شده است. این مفهوم در دهه ۱۹۸۰ به شدت مورد توجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی جایگاه تعریف‌شده‌ای در میان نظریه‌های اجتماعی به خود اختصاص دهد. از جمله جامعه‌شناسانی که به مفهوم سرمایه اجتماعی می‌پردازد پیر بوردیو است.

سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو بر تعهدها و ارتباط‌های اجتماعی مبتنی است و خود وی آن را چنین تعریف می‌کند:

سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای به نسبت پایدار از روابط کم‌وبیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارت دیگر عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضایش از راه حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می‌کند که آنان را مستحق اعتبار به معانی گوناگون کلمه می‌کند (Bourdieu, 1997, p.51).

بوردیو بر قابلیت تبدیل انواع گوناگون سرمایه تأکید داشته و سرمایه اقتصادی را ریشه انواع دیگر سرمایه می‌داند و به تعبیر لین (۲۰۰۱م) سرمایه اجتماعی در نظر بوردیو لباس مبدل برای سرمایه اقتصادی است؛ بنابراین به کمک سرمایه اجتماعی کنشگران قادر هستند به طور مستقیم به منابع اقتصادی دست یابند.

لین با طرح نظریه منابع اجتماعی (۱۹۸۲م) این مسئله را مطرح کرده است که دست‌یابی به منابع اجتماعی و استفاده از آنها (منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی) می‌تواند به موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی بهتر بینجامد (Lin, 1999, p.70).

لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع را ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی معرفی می‌کند؛ بنابراین سرمایه اجتماعی افراد را برحسب میزان یا تنوع ویژگی‌هایی که فرد با آنها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم دارد قابل‌سنجش می‌داند. وی منابع نهفته و موقعیت‌های شبکه‌ای را دو عنصر مفهومی و مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و نتیجه‌های سرمایه‌گذاری افراد در روابط و شبکه‌های اجتماعی را در ارتباط با دو نوع کنش ابزاری و کنش اظهاری طبقه‌بندی می‌کند. برای کنش ابزاری سه گونه بازگشت سرمایه (بازدهی) را

مطرح می‌کند: الف) بازدهی اقتصادی (ثروت)؛ ب) بازدهی سیاسی (قدرت)؛ ج) بازدهی اجتماعی (شهرت) و برای مورد اخیر می‌نویسد: «شهرت یکی از شاخص‌های بازدهی اجتماعی است. شهرت را می‌توان به مثابه نظرهای مساعد یا نامساعد درباره فرد در یک شبکه اجتماعی تعریف کرد» (همان، ص ۱۱).

به باور کلمن سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد. «روابط اجتماعی هنگامی پدید می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند و نباید فقط به عنوان اجزای ساختارهای اجتماعی در نظر گرفته شوند. آنها را می‌توان منابعی برای افراد نیز در نظر گرفت. من این منابع اجتماعی-ساختاری را دارایی سرمایه‌ای برای فرد یعنی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرم» (کلمن، ۱۳۷۷، صص ۴۵۸ و ۴۶۲).

پاتنام دیگر نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی است. به بیان وی سرمایه اجتماعی به ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند. (Putnam, 2000, p.6).

پورترس قدرت نوآورانه و اکتشافی این مفهوم را در دو چیز می‌بیند:

الف) این مفهوم بر پیامدهای مثبت معاشرت‌پذیری متمرکز است و ویژگی‌های کمتر جالب توجه آن را کنار می‌گذارد. ب) پیامدهای مثبت را در چارچوب فراخ‌تر بحث سرمایه جای می‌دهد و به این نکته توجه می‌کند که چطور اشکال غیرپولی درست مانند حجم دارایی‌ها یا حساب بانکی می‌توانند سرچشمه‌های مهم قدرت و اثربخشی باشند. قابلیت کارکردی بالقوه منابع متنوع سرمایه، فاصله میان جنبه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی را می‌کاهد و هم‌زمان توجه سیاست‌گذاران را که به دنبال راه‌حل‌های کم‌هزینه و غیراقتصادی برای حل مسائل اجتماعی هستند طلب می‌کند (توسلی، ۱۳۸۴).

با مروری بر تعریف‌های ارائه‌شده از سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر به مفهوم‌های مشترکی برمی‌خوریم که در نظریه‌پردازی سرمایه اجتماعی از آن استفاده می‌شود. برخی از این مفهوم‌ها عبارت‌اند از: مشارکت در شبکه‌ها، دادوستد بین افراد، اعتماد، هنجارهای اجتماعی، استفاده از منابع مشترک، و کنش‌گرایی (شریفی ثانی، ۱۳۷۹).

در حقیقت با بررسی‌های گوناگون می‌توان گفت که فضای مفهومی سرمایه اجتماعی حول سه محور «شبکه روابط»، «اعتماد» و «مشارکت» شکل گرفته است. این سه عنصر همان عناصری است که در شکل‌گیری اعتبار نیز وجود داشته و مؤثرند. با این حال، پس از بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی، برای فهم رابطه میان اعتبار و سرمایه اجتماعی باید اشاره‌ای به مفهوم اعتبار از دید جامعه‌شناختی نیز داشته باشیم.

اعتبار از دید جامعه‌شناختی

منزلت اجتماعی (Social Status) در جامعه‌شناسی به تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی از نظر احترام یا «اعتبار اجتماعی» اطلاق می‌شود. لیتتن می‌گوید پایگاه اعتبار اجتماعی و جایگاهی است که فرد در ساختار اجتماعی یا گروه در جامعه بزرگ‌تر اشغال می‌کند و آن را حفظ یا در نگاه‌داری آن در نظر دیگران می‌کوشد. به این معنا که اعتبار اجتماعی فرد یا گروه است که نسبت آن فرد یا گروه را با دیگر افراد و گروه‌ها در جامعه تعیین می‌کند (بیرو، ۱۳۶۷، ص ۳۸۰). از سوی دیگر، مفهوم سرمایه اجتماعی نیز مربوط به نسبت یک فرد یا گروه با دیگر افراد و گروه‌ها در جامعه است؛ به طوری که اگر افراد و گروه‌ها در جامعه بر مبنای اعتماد متقابل در قالب شبکه‌ای از افراد و گروه‌ها منسجم شوند و در امور جامعه مشارکت کنند، می‌توان از مفهوم سرمایه اجتماعی برای تبیین و توصیف این فرایند بهره جست؛ بنابراین سرمایه اجتماعی در پیوندی مستقیم با اعتبار اجتماعی است؛ به گونه‌ای که اعتبار اجتماعی یک فرد یا گروه است که میزان سرمایه اجتماعی آن فرد یا گروه را در جامعه بزرگ‌تر تعیین می‌کند.

افزون بر این، به طور کلی اعتبار اجتماعی عبارت است از ارزشی که جامعه برای یک فرد یا گروه قائل است و ارزش و اعتبار یک چیز وقتی به دست می‌آید که نسبت آن با دیگر افراد یا گروه‌ها معلوم شود؛ به بیان دیگر باید اعتبار اجتماعی در شبکه‌ای از پیوندهای بین گروهی در نظر گرفته شود (آگبرن، ۱۳۵۰، ص ۵۵).

از سوی دیگر، اعتبار اجتماعی با نقش‌های اجتماعی نیز در رابطه است. در جامعه گروه‌های متفاوتی وجود دارد که هر یک عهده‌دار رفتارهای معینی هستند. به رفتار مورد انتظار در داخل گروه یا درون جامعه، نقش و به ارزش و اعتباری که جامعه یا گروه برای

یک نقش قائل است، پایگاه اجتماعی گفته می‌شود. به عبارت دیگر وقتی نقش اجتماعی فرد در جامعه یا گروه با نقش‌های دیگر مورد مقایسه قرار گیرد و درجه اهمیت آن نقش در این مقایسه معلوم شود، آن نقش ارزیابی می‌شود و برحسب درجه اهمیت و اعتبار آن، پایگاه و موقعیت آن معلوم می‌شود (وثوقی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۲).

بنابراین هر نوع نقش اعم از رسمی و غیررسمی می‌تواند یک پایگاه اجتماعی پدید آورد. باید توجه داشت هر عضو جامعه فقط یک پایگاه ندارد؛ بلکه موقعیت‌های متفاوتی را بنا بر شرایط گوناگون اشغال می‌کند. پس ترکیب تصویری موقعیت‌های هر شخص را پایگاه می‌گویند. به مجموعه موقعیت‌هایی که هر فرد در جامعه اشغال می‌کند، شبکه پایگاهی گفته می‌شود. در حقیقت ترکیب این پایگاه‌هاست که سرمایه اجتماعی فرد را در جامعه تعیین می‌کند.

از سوی دیگر با توجه به اینکه مفهوم پایگاه اجتماعی با دو مفهوم دیگر اعتبار اجتماعی و جاهت اجتماعی همراه است، اگر جامعه به جنبه شخصی یک نقش اجتماعی فضایل و کارامدی اعطا کند، می‌توان گفت آن نقش آبروی اجتماعی قابل توجه و به تبع سرمایه اجتماعی قابل توجهی دارد.

با توجه به بحث‌هایی که درباره سرمایه اجتماعی، اعتبار اجتماعی و رابطه میان این دو مفهوم طرح شد، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که کسب اعتبار اجتماعی در قالب ایفای نقش‌های اجتماعی، اعم از محول (انتسابی) و محقق (اکتسابی)، به نحوی به دست آوردن یک سرمایه اجتماعی است؛ این سرمایه محصول روابط و شبکه‌های اجتماعی بوده و بر پایه اعتماد استوار است و، همان‌گونه که ذکر شد، می‌توان در بستر اجتماع از این منبع بالقوه برای به دست آوردن منافع گوناگون در روابط فردی و اجتماعی استفاده کرد.

این نکته را نیز باید افزود که اعتبار اگرچه خود یک سرمایه اجتماعی است، محصول و نتیجه دیگر سرمایه‌های فرد - اعم از سرمایه فرهنگی (Cultural capital) و سرمایه اقتصادی است و به صورت متقابل بر آنها نیز اثر می‌گذارد. افزون بر این بر اساس نظریه پاتنام اعتماد یکی از بُعدهای مهم سرمایه اجتماعی است که خود در ارتباط دوسویه با اعتبار اجتماعی می‌باشد؛ به این معنا که از سویی اعتبار خود بر پایه اعتماد شکل می‌گیرد و از طرفی خود نیز سبب بازتولید اعتماد می‌شود.

اعتبار اقتصادی یا اعتبار در اقتصاد

دیکشنری آکسفورد معانی ذیل را برای واژه credit مطرح کرده است:

۱. ابزاری برای به دست آوردن کالاها و خدمات پیش از پرداخت برای آنها بر اساس یک اعتماد که پرداخت در آینده صورت خواهد گرفت.
۲. یک ثبت در دفاتر ثبت حسابداری.
۳. یک تصدیق عمومی یا ستایش که برای یک کامیابی یا استحقاق داده می‌شود.
۴. منبع مباحثات و افتخار مانند اینکه طرفداران یک باشگاه مایه افتخار آن هستند.
۵. تصدیق کتبی نقش و فعالیت شرکت‌کنندگان که در آغاز یا پایان یک فیلم یا برنامه نمایش داده می‌شود.
۶. مدرک یا دیپلم که در حقیقت واحدی از طی مدارج علمی است.
۷. یک درجه از کامیابی در یک آزمون یا ...

۷۴

فقط دو تعریف اول تعریف‌های اعتبار در حوزه مالی هستند (Stoop, 2010, p.17).

بر طبق دیکشنری هایپرکولینز در علم اقتصاد نیز اعتبار به صورت زیر تعریف می‌شود: «وام و دیگر روش‌های پرداخت مؤجل که در دسترس مشتریان و کارخانه‌ها قرار می‌گیرد و آنها را قادر به خرید کالاها و خدمات، مواد اولیه و اجزاء مورد نیاز می‌گرداند.» در این تعریف اعتبار یک نوع پول است، اما یک نوع پول مؤجل و نه الزاماً به شکل محسوس که اغلب به وسیله چیزهای دیگر مانند پول داخل بانک، طلا یا کالاهای محسوس دیگر ضمانت می‌شود (Macdonald, 2004, p.7).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود عنصر اساسی در اعتبار بحث «انتقال زمانی» یا «مبادله در زمان» در اعتبار است. در حقیقت در تمام تعریف‌ها اعتبار را عنصری برای مبادله در زمان آینده یا به تعبیر بهتر موازنه دریافت - پرداخت در آینده نام می‌برند.

معامله‌های اعتباری در نظام سرمایه‌داری اشکال گوناگونی دارد: کارت‌های خرید اعتباری، وام‌های مصرفی، وام‌های رهنی، وام‌های بانکی، وام‌های بازار پول، فروش اوراق بهادار. با وجود این تنوع، تمام معامله‌های اعتباری در یک چیز مشترک هستند: عدم نیاز به پرداخت فوری در معامله‌ها. این ویژگی معامله‌های اعتباری را از دیگر معامله‌ها جدا می‌سازد.

خرید و فروش کالاها بر اساس دادوستد فوری و آنی است. در این تبادلها ارزش در شکل کالا با ارزش در شکل پول با هم موازنه می‌شوند؛ اما در برابر، موازنه ارزش در مبادله‌های اعتباری به زمان آینده موکول می‌شود (Lapavitsas, 2003, p.69).

چنانچه مبادله اقتصادی را تبادل میان دو ارزش اقتصادی در نظر بگیریم (که می‌تواند کالا به کالا یا خدمت یا پول باشد) در مبادله‌های اعتباری این موازنه ارزش - ارزش به زمان آینده موکول می‌شود و اعتبارگیرنده می‌تواند وجه یا مابه‌ازای کالا یا خدمت دریافتی را در آینده پردازد. چه چیزی سبب می‌شود که این موازنه در زمان آینده صورت گیرد؟ لاپاویتساز پس از جمله پیش‌گفته در بحث موازنه ارزش خود به این نکته پاسخ می‌دهد که «موازنه ارزش در مبادله‌های اعتباری به زمان آینده موکول می‌شود؛ به همین علت باید اعتباردهنده به اعتبارگیرنده اعتماد داشته باشد». وی همچنین می‌نویسد: «نظام اعتباری وجه اجتماعی و قابل مشاهده قدرت و اعتماد را قرض می‌دهد» (همان).

در حقیقت گفته می‌شود که واژه **credit** از واژه لاتین **credere** به معنای اعتماد گرفته شده است. این اعتماد به اعتبار اجازه خلق و استفاده می‌دهد و کاهش اعتماد می‌تواند این قضیه را نابود کند؛ در نتیجه اعتبار می‌تواند به واسطه اعتماد و اطمینان بین طرف‌های درگیر موضوع مورد استفاده قرار گیرد (Macdonald, 2004).

معامله‌های اعتباری رابطه‌ای بین اعتباردهنده و اعتبارگیرنده خلق می‌کند که می‌تواند به دو صورت باشد: الف) به صورت در اختیار گرفتن کالا و تضمین پرداخت وجه آن در آینده؛ ب) به صورت قرض گرفتن پول و تضمین بازپرداخت آن در آینده. اولی، مبادله اعتباری نامیده می‌شود و دومی بانکداری اعتباری. در هر دو حالت ما نیازمند به اعتماد هستیم.

در حقیقت اعتبار (سرمایه اجتماعی) فرد مقابل (طرف تجاری، قرض‌گیرنده و ...) پیش ما سبب می‌شود که این اعتماد شکل بگیرد و ما مبتنی بر همین اعتبار و اعتماد حاضر می‌شویم تا مابه‌ازای کالا یا خدمت خود را در آینده تحویل بگیریم. شاید وجه تسمیه این نوع خاص از مبادله به **credit** یا همان اعتبار نیز همین مسئله یعنی بناشدن این نوع مبادله بر اعتبار و اعتماد باشد.

در مجموع می‌توان گفت که اعتبار در حوزه مالی و اقتصادی سرمایه اجتماعی است که خاستگاه خودش را از اجتماع می‌گیرد و مبتنی بر اعتماد است و می‌تواند دو کارکرد ذخیره ارزش و واسطه مبادله‌بودن را به صورت موقت انجام دهد. اینکه گفته می‌شود وظیفه واسطه مبادله‌بودن را به صورت موقت انجام می‌دهد به این دلیل است که آن چیزی که سرانجام پرداخت می‌شود (واسطه اصلی مبادله) پول است و اعتبار فقط می‌تواند پرداخت وجه یا حتی مابه‌ازای کالایی را به تأخیر بیندازد.

مشکل‌های اعتبار مبادله‌ای

همان‌طور که گفته شد، اعتبار مبادله‌ای مبتنی بر اعتماد و شناخت متقابل است و همان‌طور که در ابتدای مقاله بحث شد کسب اعتبار و اعتماد، محصول کنش‌ها و ارتباط‌های گوناگون در بستر اجتماع است و نیز شکل‌گیری اعتبار در بستر اجتماع معلول کسب مقدمه‌های فراوان است؛ در نتیجه این نوع مبادله‌های اعتباری می‌تواند با دو مشکل اساسی روبه‌رو باشد:

الف) مشکل اول اینکه با توجه به زمان‌بر بودن شکل‌گیری اعتبار و اعتماد و نیز نیاز آن به ارتباط‌های گوناگون، خلق اعتبار و اعتماد با مشکل اساسی روبه‌روست و نمی‌توان به راحتی اعتمادسازی کرد.

ب) مشکل دوم که مبتنی بر مشکل اول یعنی راحت‌نبودن خلق اعتبار و اعتماد می‌باشد این است که استفاده‌کنندگان از این نوع اعتبار محدود می‌شوند؛ به طور مثال در ارائه اعتبارات مصرفی فروشنده همواره باید از این نوع اعتبار برای مشتریان قابل اعتماد خود که آنها را به خوبی می‌شناسد و برایشان اعتبار قائل است استفاده کند. از طرفی فروش اعتباری می‌تواند میزان فروش و گردش مالی را افزایش داده و در صورتی که به صورت فروش اقساطی با بهره نیز باشد می‌تواند سودآوری فرد را افزایش دهد؛ اما با توجه به بحث شناخت و اعتماد دایره این نوع فروش به مشتریان خاص محدود می‌شود. در اعتبار تجاری نیز همین مسئله اتفاق می‌افتد، یعنی شناخت طرف‌های تجاری و داشتن اعتماد به آنها یا پدیدساختن اعتماد برای گرفتن اعتبار از آنها زمان‌بر بوده و نیازمند شکل‌گیری در طول زمان است. این مسئله هم سبب کاهش میزان استفاده از این اعتبار می‌شود. نکته دیگر در بحث استفاده از اعتبار تجاری این است که به طور معمول این نوع اعتبار در حوزه خاص و به تعبیری در یک نظام تولید و توزیع محصول خاص میان تولیدکنندگان مواد اولیه،

محصول نهایی و فروشندگان عمده و جزئی شکل می‌گیرد. این قضیه نیز خودش بر محدودیت استفاده از این نوع مبادله می‌افزاید.

به نظر می‌رسد چنانچه بتوان به جای استفاده از واسطه موقت در پرداخت از واسطه اصلی مبادله‌ها (پول) استفاده کرد، مشکل‌ها کاهش می‌یابد؛ یعنی افزون بر استفاده از این نوع مبادله اعتباری در موارد محدود و دارای اعتبار و اعتماد، می‌توان سرعت مبادله‌ها را نیز حفظ کرد. در واقع بانکداری اعتباری یا اعتبار بانکی این مشکل را حل می‌کند.

اعتبار بانکی و حل مشکل‌های اعتبار مبادله‌ای

اعتبار بانکی عبارت است از وامی که بانک‌ها در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند. اعتبار سبب می‌شود که یک تولیدکننده بر فاصله بین تولید و فروش نسبه کالاها پل بزند و مصرف‌کننده از درآمد آینده‌اش کالا را بخرد (توانایان‌فرد، ۱۳۸۵).

از نظر عملیات بانکداری، اعتبار به قدرت یک فرد برای داشتن موجودی در حساب و بازپرداخت بدهی‌های وی بازمی‌گردد و اعتبار بانکی اعتباری است که بانک تجاری در ازای توانایی پرداخت مشتری یا در برابر دریافت وثیقه در اختیار مشتری خود (افراد یا مؤسسه‌ها) قرار می‌دهد (حریری، ۱۳۸۸).

همان‌طور که گفته شد در حالت اعتبار تجاری یا مصرفی به هنگام مبادله کالا چنانچه فرد خریدار نزد فروشنده اعتبار داشته باشد، این اعتبار وی سبب می‌شود که موازنه ارزش در مبادله‌های اعتباری با وقفه زمانی انجام گیرد؛ یعنی فرد دارای اعتبار این امکان را دارد که کالا را تحویل گرفته اما مابه‌ازای آن را در آینده پرداخت کند. در اعتبار بانکی این مبادله کالا، جای خود را به مبادله پول می‌دهد؛ یعنی مبادله خرید امروز و پرداخت در آینده تبدیل به قرض امروز و بازپرداخت در آینده می‌شود.

در این نوع اعتبار، فردی که دارای اعتبار و اعتماد است با مراجعه به بانک می‌تواند پول قرض گرفته؛ سپس در موعد (مواعد) مورد نظر نسبت به بازپرداخت وجه قرض گرفته‌شده اقدام کند. در حقیقت اعتبار فرد سبب می‌شود بانک به وی اعتماد کرده و نسبت به پرداخت وجه به وی اقدام کند. حال فرد می‌تواند با وجه دریافتی خود دیگر مبادله‌های حقیقی اعم از هرگونه خرید و فروش را انجام داده و این بار به جای پرداخت وجه کالای

خریده‌شده در آینده، وجه کالا یا خدمت خرید شده را در زمان حال بپردازد؛ اما وجه قرض گرفته‌شده از بانک را در آینده خواهد پرداخت. در حقیقت در این نوع اعتبار، انتقال زمانی در دادوستد از وجه اعتبار کالایی به وجه اعتبار پولی تبدیل شده است. در این نوع مبادله‌ها نیز عنصری که واسطه مبادله شده و نقش انتقال زمانی را در مبادله ایفا می‌کند عنصر اعتبار است، اما این اعتبار از بازار کالا به بازار پول منتقل شده است.

پولی کردن اعتبار

این حالت را در نظر بگیرید که فردی بدون داشتن پول می‌خواهد نسبت به خرید کالا یا خدمتی اقدام کند و سپس مابه‌ازای آن را در آینده پرداخت کند. این فرد چنانچه دارای اعتبار و اعتماد باشد، می‌تواند به وسیله این اعتبار خود کالا یا خدمت مورد نظر را دریافت کرده و وجه آن را در آینده بپردازد. در این حالت فرد از اعتبار مصرفی یا تجاری استفاده کرده است؛ اما چنانچه این فرد دارای اعتبار نخواهد (یا نتواند) از اعتبار در بازار کالا و خدمت بهره‌بردار می‌تواند با مراجعه به بانک، مبتنی بر همان اعتبار خود پول قرض گرفته سپس با این پول که به وی داده‌شده به بازار کالا و خدمت رفته و کالا یا خدمت مورد نیاز خویش را تهیه کند. این بار به جای بازپرداخت مابه‌ازای دریافت کالا یا خدمت در زمان آینده باید وجه قرض گرفته‌شده را در زمان آینده بازپرداخت کند.

در حقیقت آن عملی که در این قضیه اتفاق می‌افتد بحث «پولی کردن اعتبار» است؛ یعنی اعتبار فرد نزد بانک تبدیل به پول شده و این پول به وی پرداخت می‌شود. حال در زمان آینده وی باید این پول را بازپرداخت کند؛ بنابراین پس از پولی شدن اعتبار، فرد می‌تواند در بازار کالا یا خدمت به جای بهره‌گیری از واسطه موقت مبادله و عنصر انتقال زمانی موازنه ارزش از پول به عنوان واسطه اصلی مبادله‌ها استفاده کند.

واسطه‌شدن بانک در فرایند پولی‌کردن اعتبار نیز می‌تواند به دو صورت انجام گیرد. در حالت نخست، همان‌طور که گفته شد، فرد دارای اعتبار نزد بانک رفته و به علت این اعتبار وجه نقد دریافت می‌کند. در این حالت بانک با پرداخت «وام» وجه مورد نیاز را به حساب فرد واریز می‌کند و اعتبار فرد به صورت وام متجلی می‌شود. به همین دلیل است که در تعریف وام آورده شده که: «در اصطلاح معمولی و به معنای محدود مبلغی پول است

که از یک بانک بازرگانی با اندازه بهره جاری استقراض می‌شود. به معنای وسیع هر پولی را گویند که از بانک یا مؤسسه یا شخص قرض گرفته شود» (فرهنگ، ۱۳۷۱).

شاید اینکه در برخی تعریف‌ها اعتبار با وام یکسان تلقی شده است از عدم دقت به این نکته و وجه تمایز میان این دو باشد.

در حالت دوم، فرد دارای اعتبار به بانک مراجعه کرده و بانک - به واسطه اعتباری که فرد نزد وی دارد - ضمانت بازپرداخت وجه را در مبادله به فروشنده انجام می‌دهد. در حقیقت بانک تضمین می‌کند که چنانچه فرد خریدار در مدت‌زمان توافق‌شده مابه‌ازای خرید کالا را پرداخت نکرد بانک این کار را انجام خواهد داد؛ بنابراین اعتبار فرد سبب ضمانت بانک می‌شود و این ضمانت می‌تواند واسطه موقت مبادله شده و انتقال زمانی موازنه ارزش را انجام دهد. این روش که به طور معمول در قالب «اعتبارات اسنادی» انجام می‌گیرد نیز به صورت دیگر بهره بردن از اعتبار برای انجام مبادله‌هاست.

پدید آمدن این سازوکارها می‌تواند مشکل اعتماد در بازار کالا را از بین ببرد؛ یعنی در این حالت به علت اینکه مبادله‌ها با پرداخت نقد و آنی انجام می‌گیرد، دیگر نیازمند کسب اعتماد و اعتبار زمان‌بر نیست؛ بلکه این کسب اعتماد از بازار کالا به بازار پول منتقل می‌شود و مشکل محدودشدن‌های طرف‌های تجاری نیز از بین می‌رود.

خلق اعتبار و تبدیل اعتماد به اطمینان

از مجموع بحث‌های پیشین پرسشی که پدید می‌آید این است که هرچند در این روش برخی محدودیت‌های بین وجود شناخت در طرفین معامله از میان برداشته می‌شود، اما همین نوع محدودیت در شناخت بانک وجود دارد؟ افرادی که با بانک رابطه دارند و بر اثر این ارتباط مداوم توانسته‌اند اعتماد و اعتبار کسب کنند نیز محدود هستند و می‌دانیم فرایند کسب اعتماد نیز زمان‌بر است. این مشکل چگونه حل می‌شود؟

باید گفت که بانکداری اعتباری پیش از پولی کردن اعتبار وجود داشته و اقدام به «خلق یا گشایش اعتبار» برای فرد می‌کند. در حقیقت در این حالت بانک با سازوکار اعتبارسنجی اعتبار مشتریان را با برخی ملاک‌های خاص مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ سپس برای آنها خلق اعتبار می‌کند یا به تعبیری آنها را معتبر تشخیص می‌دهد. پس از آن وارد مرحله بعدی

شده و این اعتباری را که خلق کرده است، پولی می‌کند و به صورت وام یا اعتبارات اسنادی در اختیار آنها قرار می‌دهد.

شاید به همین دلیل است که گفته می‌شود اعتباری که برای افراد گشوده می‌شود خود مستظهر به اعتبار و اعتمادی است که بانک‌ها نسبت به متقاضیان می‌توانند داشته باشند. در حقیقت بانک در مرحله خلق یا گشایش اعتبار، به جای اعتماد که نیازمند کنش‌های متقابل است و شکل‌گیری آن زمان‌بر است کسب اطمینان می‌کند. اینجا آن اعتبار مبتنی بر اعتماد با گرفتن تضمین و وثیقه به اعتبار مبتنی بر اطمینان تبدیل می‌شود.

همان‌طور که پیش از این گفته شد ممکن است این پرسش مطرح شود که در بازار کالا و به وسیله فروشندگان کالا یا خدمت نیز می‌تواند این عمل (اعتبارسنجی و خلق اعتبار) صورت گیرد؛ اما باید توجه داشت که چنانچه این کار بخواهد در بازار کالا اتفاق بیفتد هر فروشنده باید افزون بر فروش کالا تک‌تک خریدارانی که درخواست خرید کالا به صورت اعتباری را دارند بررسی کند و سپس به فروش کالا به آنها اقدام کند. بدیهی است که جز در موارد معدود این عمل نمی‌تواند به وسیله خود فروشندگان و ... در بازار تولید و توزیع کالا اتفاق بیفتد. اینجا نیازمند نهاد دیگری هستیم که این عمل را انجام دهد و آن نهاد ویژه بانک است. این عملیات بانک همچنین سبب می‌شود هزینه اعطای اعتبار حداقل شده، امکان اعطای اعتبارات بلندمدت و به میزان زیاد فراهم آمده و ریسک‌های عدم بازپرداخت نیز تقسیم شود (ر.ک: توتونچیان، ۱۳۷۵، ص ۲۸۹-۲۸۷).

آنچه تاکنون به بررسی آن پرداختیم اعتبار در حوزه تخصیص نام دارد؛ اما نوع دیگری از اعتبار یا اعتماد نیز وجود دارد که شکل‌گیری و ادامه فعالیت بانک بر آن استوار است؛ چرا که این نوع اعتبار زمینه‌ساز جمع‌آوری وجوه و منابع برای بانک است.

اعتبار در حوزه تجهیز

در شروع فعالیت صراف‌ها افرادی که پول‌های طلا و نقره داشتند صرافان را به عنوان امانت‌دار و محافظ پول‌های خود در نظر گرفته و پول‌های خودشان را به آنها می‌سپردند. در حقیقت اینکه فرد را به عنوان امین و امانت‌دار خود انتخاب می‌کردند نیازمند کسب اعتبار به‌وسیله صراف‌ها (بانک‌داران اولیه) بود. این نقش امروزه نیز برای بانک‌ها وجود

دارد. افراد باید برای بانکی که در آن حساب باز می‌کنند و وجوه خود را به وی می‌سپارند اعتبار و اعتماد قائل باشند؛ در غیر این صورت به طور حتم وجوه خود را به آنان نخواهند سپرد.

افزون بر این در شروع بانکداری وقتی سپرده‌گذاری می‌خواست پرداختی را بابت معامله‌ای انجام دهد، باید ابتدا به امانت‌دار بابت دریافت بخشی از سکه‌ها مراجعه می‌کرد؛ سپس این تصمیم پدید آمد که اگر بشود به جای انتقال خود سکه‌ها طلب را از راه رسید سکه‌های سپرده‌گذاری شده پرداخت کرد، کار بسیار آسان‌تر می‌شود. بر اثر چنین تفکری بود که رسیده‌های ذخیره فلزهای گران‌بها (سکه‌ها) که به وسیله امانت‌دار گواهی شده بود به عنوان وسیله پرداخت مورد استفاده قرار گرفت. این رسیده‌ها (اسکناس‌های اولیه) فقط به این علت به وسیله گیرنده آن قابل قبول بود که اطمینان داشت می‌تواند آن را در محل کار صرافان به سکه‌های طلا تبدیل کند. به این ترتیب قدم اساسی در تحول پول تحقق یافت و مردم به استفاده از رسیده‌ها به عنوان واسطه مبادله شروع کردند.

امروزه نیز پس از آنکه قدرت اعتباری شخص به وسیله بانک مورد ارزیابی قرار گرفت، نوع پولی که برای افراد صاحب اعتبار پدید می‌آید به پول تحریری یا ثبتی موسوم است. پول تحریری به چک و هرگونه وسیله انتقال نقدینه یا اعتبار اشخاص از بانک‌ها و از حسابی به حساب دیگر اطلاق می‌شود (شعبانی، ۱۳۸۷).

اینکه این چک‌ها در مبادله‌ها مورد استفاده واقع می‌شود نیز ناشی از اعتبار و اعتمادی است که مردم نسبت به بانک دارند. می‌توان گفت پولی کردن اعتبار در اینجا نیز اتفاق می‌افتد و بانک اعتباری که در میان مردم دارد را با خلق پول تحریری، پولی می‌کند.

از آنجا که تعهدهای بانک به طور معمول قابل قبول است، این تعهدها می‌تواند به عنوان پول عمل کند. در چنین شرایطی است که اسکناس‌ها که در حقیقت همان تعهدهای بانک نسبت به دارندگان است پول می‌شوند (فرجی، ۱۳۹۰).

اینجا منظور از پولی کردن اعتبار این است که بانک اعتبار خودش و اعتماد مردم به اسکناس‌های - یا به تعبیر دقیق‌تر پول‌های - خلق شده به وسیله آن را زمینه‌ای برای چاپ بیشتر اسکناس (خلق پول) قرار می‌دهد.

همچنین بانک‌ها سپرده‌های دریافتی از مردم را در گاو صندوق‌ها و به صورت پول راکد و غیرفعال نگه‌داری نمی‌کنند و به محض دریافت آن فقط قسمت کوچکی از آن را به عنوان ذخیره نزد خود نگه داشته - البته نزد بانک مرکزی - و بقیه آن را به صورت وام یا اعتبار در اختیار دیگر عاملان اقتصادی قرار می‌دهند (شعبانی، ۱۳۸۷).

همان‌طور که توضیح داده شد این استفاده از ذخیره جزئی نیز مبتنی بر همان اعتماد و اعتباری است که بانک توانسته برای خودش پدید آورد و چنانچه این اعتبار و اعتماد از دست برود بانک با ورشکستگی روبه‌رو خواهد شد؛ بنابراین با تقدیری که گذشت به روشنی معلوم می‌شود که وظیفه خلق پول مختص اختیارات بانک ناشر اسکناس نخواهد بود و امروزه با پیدایش این سازوکارهای جدید بانکی، بانک‌های بازرگانی نیز قادرند به خلق پول مبادرت ورزند.

به این ترتیب نمی‌توان انکار کرد که تمام بانک‌ها قدرت خلق پول دارند؛ هرچند محدودیت‌هایی از نوع سهم فزاینده اعتبارات و ذخیره قانونی بر آنها تحمیل می‌شود؛ اما آنچه مسلم و قطعی است اینکه بانک‌ها در پرتو این سازوکارها قادر خواهند بود که به پول‌آفرینی تکاثری اقدام کنند و بر حجم پول اقتصاد بیفزایند که خود تفسیر نظریه پدیدساختن پول تحریری و آزاد است (همان).

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که اعتبار و اعتماد پدیدآمده به صرافان (بانک‌داران اولیه) زمان‌بر و نیازمند ارتباطات گوناگون و کسب اعتماد در طول زمان بود و به صورتی سرمایه اجتماعی شمرده می‌شد؛ اما اعتبار بانک‌های امروزی از حکومت و رسمیت‌دادن حاکمیت به این‌گونه نهادها یا به تعبیر بهتر برگرفته از قانون است که این‌گونه نهادها را به رسمیت می‌شناسد و این رسمیت قانونی آنها را دارای اعتبار می‌کند؛ البته حکومت نیز برای استمرار این اعتبار بر آنها نظارت داشته و قوانین و مقررات گوناگون برای چگونگی کار آنها را نیز تنظیم می‌کند.

اعتبارهای بانکی و بانکداری اسلامی

می‌دانیم که هر نظام اجتماعی از خرده‌نظام‌های گوناگون تشکیل می‌شود که هر کدام از آنها برای انجام وظیفه در داخل نظام اجتماعی، نهادهای مورد نیاز خود را شکل می‌دهند.

بانکداری نیز در داخل خرده نظام اقتصادی نظام سرمایه‌داری و متناسب با نیازهای خاص آن نظام شکل گرفت. این نهاد به علت اینکه در بستر مناسب خودش شکل گرفت توانست در تعاملی درون‌سیستمی به عنوان جزئی از نظام در ارتباط با دیگر نهادها به سمت هدف‌های تعیین‌شده حرکت کند و کارایی داشته باشد؛ اما بانکداری بدون ربا به صورت یک انتقال نهادی از مدل سرمایه‌داری مبتنی بر بهره بانک‌های تجاری صورت پذیرفت که در حقیقت در فرایند شکل‌گیری و فعالیت آن، نهاد پدیدآمده در بستر و محیط نظام سرمایه‌داری - که می‌توان گفت یک نظام و حتی به تعبیری یک فرانظام است - با انجام اصلاحاتی وارد ایران شد. کشوری با یک نظام مبتنی بر دین که باید مؤلفه‌های خاص اجتماعی و سیاسی خویش را داشته باشد. از طرفی باید دانست که هر فناوری یا نهادی که به صورت وارداتی از یک پارادایم فکری و فلسفی وارد پارادایم دیگر می‌شود می‌تواند حامل پیش‌فرض‌ها و مبادی فلسفی خود باشد و باید برای ارائه کارکرد مناسب با دیگر اجزای نظام اجتماعی مقصد هماهنگ شود.

بنابراین به نظر می‌رسد برای پذیرش، رد یا اصلاح آن دست کم باید چهار جنبه را به دقت بررسی کرد:

۱. ماهیت اصلی آن نهاد، بسترهای شکل‌گیری و نیازهایی که مبتنی بر آنها شکل گرفته است (چیستی و چرایی)؛
 ۲. سازوکارها و روش‌های به‌کارگیری شده برای استفاده از این نهاد (چگونگی)؛
 ۳. نتیجه‌های مستقیم حاصل از به‌کارگیری آن؛
 ۴. نتیجه‌های غیرمستقیم ناشی از حضور دیگر نهادها و ارتباط متقابل آنها با یکدیگر.
- آنچه در کشور ما بیشتر حجم مطالعه‌ها و اقدام‌ها برای اصلاح بانک (ذیل عنوان بانکداری بدون ربا) را به خود اختصاص داد، بخشی از محور دوم یعنی اصلاح سازوکارها و روش‌ها به‌ویژه در قالب حذف بهره یا ربا از بانکداری بود که به نظر می‌رسد برای اصلاح و تصحیح عملکرد بانکداری باید مطالعه‌ها را در دیگر محورها نیز گسترش داد.
- نکته حائز اهمیت اینکه عدم بررسی صحیح و روشمند یک نهاد برای پذیرش، اصلاح یا رد می‌تواند دو نوع آسیب پدید آورد. آسیب اول عدم کارایی و کارکرد صحیح آن است که نمی‌تواند در داخل نظام جدید به صورت کارا عمل کند و بنابراین نتیجه‌های مدنظر به

هیچ عنوان محقق نمی‌شود و در ثانی افزون بر عدم کارکرد صحیح خود، سبب اخلال در نظام خواهد شد؛ به طوری که مانع از انجام فعالیت صحیح دیگر نهادها در نظام اجتماعی می‌شود.

در مقاله پیش رو با ارائه تعریف اعتبار در حوزه اقتصادی بیان شد که در حقیقت شکل‌گیری سازوکار اعتبار بانکی می‌تواند برای تبدیل اعتبار به عنوان سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی استفاده شود که نهاد متولی این امر بانک است. این نگاه به بانک و سازوکار خلق اعتبار که یک نگاه ریشه‌ای‌تر به شکل‌گیری بانک و خلق اعتبار دارد می‌تواند به گسترش مطالعه‌ها درباره مقوله فلسفه بانک و بانکداری اسلامی کمک کند؛ چرا که در این صورت در کنار نگاه‌های اسلامی‌سازی روش‌های بانک برای استفاده در بانکداری اسلامی می‌توان به مقوله‌های کلان‌تری نیز پرداخت و اسلامی‌بودن یا نبودن بانک را با شاخص‌های بیشتری مورد ارزیابی قرار داد؛ به طور مثال پرسش‌های بسیار دیگری با این نوع نگاه پیش روی بحث‌های بانکداری اسلامی قرار می‌گیرد که می‌تواند در تحقیق‌ها و پژوهش‌های آتی مد نظر قرار گیرد.

۱. فعالیت بانک‌های خصوصی در بانکداری بدون ربا

همان‌طور که گفته شد، اعتبار و اعتماد پدیدآمده به صرافان (بانک‌داران اولیه) زمان‌بر و نیازمند ارتباط‌های گوناگون و کسب اعتماد در طول زمان بود و به صورتی سرمایه اجتماعی شمرده می‌شد؛ اما اعتبار بانک‌های امروزی از حکومت و رسمیت‌دادن حاکمیت به این‌گونه نهادها یا به تعبیر بهتر برگرفته از قانون است که این‌گونه نهادها را به رسمیت می‌شناسد و این رسمیت قانونی آنها را دارای اعتبار می‌کند.

در حقیقت برخلاف گذشته که اعتبار (به معنای سرمایه اجتماعی) صراف می‌شد که بتواند سپرده‌ها را جمع‌آوری کرده و با سازوکار بانکداری جزئی از آن استفاده کند، در بانک‌های امروزی به علت گسترده‌شدن شهرها، ارتباطات و ... دیگر این امکان وجود ندارد که بانکی بتواند مبتنی بر اعتبار کسب‌شده به عنوان سرمایه اجتماعی فعالیت کند. آنچه امروز سبب اعتماد و اعتبار بانک‌ها می‌شود یک اعتبار قانونی و برگرفته از به رسمیت شناخته‌شدن حکومت‌ها و دولت‌ها به وسیله مردم است.

نکته اساسی که می‌تواند با این نگاه در مطالعه‌های مربوط به بانکداری بدون ربا پژوهش شود بحث مربوط به بانک‌های خصوصی است. اگر اعتبار بانک‌ها در حوزه تجهیز نزد مردم سبب پدید آمدن فعالیت‌های بانکی شده است، در زمان حال که بانک‌ها برخوردار از آن اعتبار و اعتماد به عنوان سرمایه اجتماعی نیستند و فعالیت آنها مبتنی بر اعتبار قانونی ناشی از حکومت‌هاست، فعالیت بانک‌های خصوصی می‌تواند به معنای اعطای اعتبار حاکمیت - که اگر به معنای یک سرمایه اجتماعی برای دولت به آن نگاه شود، می‌توان گفت متعلق به عموم مردم است - به افراد خاص جهت پدیدساختن بانک تلقی شود و نیازمند بحث و بررسی بیشتری شود. این نکته زمانی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند که در نظر داشته باشیم اعطای امتیاز بانک یعنی اعطای استفاده از یک قدرت عام اقتصادی.

پول با چهار کارکرد واسطه مبادله، معیار سنجش ارزش، وسیله حفظ ارزش و معیار پرداخت‌های آتی در جریان مبادله نقش یک ارزش عام را بازی می‌کند؛ به این ترتیب که تمام کالاها یا خدمات در بازار با پول معاوضه شده و سپس تمام کالاها یا خدمات در بازار به وسیله آن می‌تواند به دست آید. به همین دلیل گفته می‌شود که پول تجسم عام ثروت است و در ازای پول ممکن است بتوانیم هر کالایی را به دست آوریم.

همین ویژگی ارزش عام بودن پول و اینکه می‌توان با آن دیگر کالاها و خدمات را تصاحب کرد و در جهت رفع نیازها گام برداشت سبب می‌شود که پول به عنوان سرچشمه اصلی قدرت اقتصادی افراد و جوامع معرفی شود. شاید به علت همین ماهیت پول (ارزش عام بودن) است که علامه مطهری رحمته‌الله می‌گوید: «پول از آن جهت که پول است معنای عرفی است، رابط میان کالاهاست... پول بالقوه همه چیز است و بالفعل هیچ چیز نیست» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۱۷۳).

در حقیقت با به دست آوردن پول و سرمایه (به مثابه یک قدرت خودافزا) می‌توان یک قدرت ویژه اقتصادی را به دست آورد. حال روشن است که اگر کسی بتواند به قدرت خلق پول دست یابد، در حقیقت به منبع اساسی و خارق‌العاده اقتصادی دست یافته است. همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد سازوکار خلق اعتبار این قدرت را برای بانک‌داران و صرافان پدید می‌آورد که با استفاده از اعتبار و اعتمادی که در پیش مردم جلب کرده بودند - که این اعتبار می‌تواند یک سرمایه اجتماعی باشد یا به وسیله قانون جعل

شده باشد - به خلق پول پردازند. توضیح داده شد که هم انتشار اسکناس‌های مبتنی بر ارزش اعتباری و هم قدرت خلق پول تحریری مبتنی بر بانکداری جزئی، هر دو فرایندهایی هستند که به واسطه اعتبار پدید آمده و تداوم می‌یابند. در حقیقت جریان و سازوکار اعتبار این امکان را برای صرافان (بانک‌داران اولیه) پدید می‌آورد که با استفاده از اعتبار و اعتمادی که کسب کرده‌اند به خلق پول (به عنوان ارزش عام و قدرت) مبادرت ورزند.

در جریان مبادله کالاها با یکدیگر ضروری است که در فرایند تولید ابتدا به خلق ارزش همت گماشت؛ سپس این ارزش را با پول معاوضه کرده و ارزشی عام برای به دست آوردن دیگر ارزش‌های اقتصادی به دست آورد؛ یعنی همواره کسب پول نیازمند جریان خلق ارزشی است که بتواند با آن معاوضه شود. البته ممکن است کسب پول از راه دیگر فرایندها مانند ارث، هبه و ... نیز اتفاق افتد که در اینجا نیز باید به این نکته توجه داشت که فرد دیگری نسبت به تولید ارزش اقدام کرده و سپس آن را با پول معاوضه کرده و بعد از طریق ارث، هبه و ... این پول منتقل شده است. اما در جریان اعتبار، چه در فرایند انتشار اسکناس‌ها یا رسیده‌های اعتباری بدون پشتوانه و چه در جریان خلق پول تحریری مبتنی بر بانکداری جزئی، در حقیقت خلق ارزشی صورت پذیرفته و این پول‌ها بدون خلق مابه‌ازای ارزشی در جریان قرار گرفته‌اند. فرد صراف یا بانک‌دار امروزی بدون تولید و خلق ارزش، قدرت خلق پول را به دست آورده است که همان‌طور که گفته شد قدرت خلق پول یعنی قدرت ارزش مبادله‌ای عام که می‌توان با آن به راحتی به دیگر کالاها و خدمات دسترسی پیدا کرد.

شاید به همین علت است که عده‌ای به دست آوردن این قدرت به وسیله نظام بانکی را خلق ثروت خیالی در برابر ثروت واقعی می‌دانند. ثروت خیالی در اصطلاح به پولی اطلاق می‌شود که به واسطه ثبت ارقام در نظام حسابداری یا افزایش حساب‌های دارایی که هیچ ارتباطی با تولید چیزی با ارزش واقعی ندارند، پدید آورده می‌شود (کورتن، ۱۳۹۲، ص ۲۸). باید دانست که این خلق قدرت فقط به امکان پول‌سازی و خلق اعتبار نمی‌انجامد؛ بلکه تجمیع وجوه خرد مالی می‌تواند سرمایه‌های هنگفتی پدید آورد که خود زمینه‌ساز انحصارهای گسترده‌ای شود که وقتی با قدرت پیشین جمع شود درک این جمله که گفته

می‌شود امکان اداره و رهبری جریان و سازوکار پولی هر کشور در حقیقت امکان هدایت تمام اقتصاد و حتی سیاست و فرهنگ یک جامعه است را نیز امکان‌پذیر می‌سازد. مبنی بر آنچه گفته شد، امکان خلق پول و استفاده از این قدرت عظیم می‌تواند اثرها و پیامدهای گوناگونی داشته باشد که این نیز از مسائل مهم در فضای اقتصاد اسلامی است که بانکداری بدون ربا باید بتواند از جهت‌های گوناگون آن را بررسی کرده و پاسخ‌هایی درخور ارائه کند.

۲. نسبت تداول و تکاثر ثروت حاصل از بانکداری با بانکداری بدون ربا

تخصیص غیرعادلانه منابع مالی در نظام بانکی کلاسیک نزد افراد بسیار فراوانی شهرت یافته است. آرن بیگستن می‌گوید: «توزیع سرمایه در بیشترین حد نابرابری است و نظام بانکی به سوی تقویت توزیع نابرابر سرمایه تمایل دارد (بیگستن، ۱۹۸۷م، ص ۵۶ به نقل از چپرا، ۱۳۸۴).

این پدیده خارج از نظام بانکی نیست که بر اصل بهره مبتنی است؛ بلکه نتیجه طبیعی آن است. در اقتصادی که انواع ثروت در آن فراوان و وام‌دهنده در صدد کسب سود بدون مشارکت داشتن در ریسک‌های بنگاه است منطقی به نظر نمی‌رسد «به همان مقدار که به افراد ثروتمند وام می‌دهد به محرومان وام دهد» (میشان، ۱۹۷۱م، ص ۲۰۵، به نقل از چپرا، ۱۳۸۴).

آنچه بانک‌ها بر آن مبتنی شده‌اند، به طور عمده قرض‌دادن به افراد و شرکت‌هایی است که وثیقه‌هایی برای ارائه کردن دارند و با توجه به این واقعیت تلخ که توزیع اعتبار ناعادلانه است تا زمانی که گرایش نظام مالی به مشارکت در تمرکز ثروت تصحیح نشود، توزیع عادلانه درآمد و ثروت باید به صورت آرزوی کاذبی باقی بماند (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۴۷۴).

همان‌طور که گفته شد با کنار گذاشته شدن اعتماد در نظام بانکی و تبدیل آن به اطمینان برای گسترش اعتباردهی و سودآفرینی روزافزون مواردی مانند وثیقه‌های سنگین، گردش مالی فراوان، توان بازپرداخت بر اساس صورت درآمد، برخورداری از ضمانت افراد توانمند و ... دریافت اعتبار از نظام بانکی را می‌تواند در اختیار ثروتمندان قرار داده و با مشکل اساسی توزیع ناعادلانه سرمایه روبه‌رو سازد.

با این نگاه، این سازوکار می‌تواند سبب شود تا پرداخت اعتبار محدود به عده‌ای شود که توان تأمین وثیقه‌ها و ضمانت‌نامه‌ها را دارند و دیگران کنار گذاشته شوند که این وضعیت می‌تواند به تداول ثروت در دست عده‌ای بینجامد.

چنانچه اعتبار فرد (به عنوان سرمایه اجتماعی) مدنظر قرار گیرد، حتی فرد تهی دست اما دارای اعتبار نیز می‌تواند در صورت نیاز از منابع و وجوه برای راه‌اندازی کسب‌وکار یا حتی برای مصرف نیز استفاده کند؛ اما وقتی پرداخت وام و اعتبار به ارائه ضمانت‌نامه‌ها و وثیقه‌های سنگین منوط می‌شود (تبدیل اعتماد به اطمینان) دیگر مشخص است که کدام طبقه اجتماعی می‌تواند از وام‌ها و اعتبارات هنگفت استفاده کند و با استفاده از آن روزبه‌روز بر ثروت خویش بیفزایند.

این مسئله یعنی بررسی فعالیت بانکداری بدون ربا مبتنی بر سازوکار خلق اعتبار با تداول ثروت می‌تواند از جمله سرفصل‌های تحقیق‌های آتی باشد، چرا که این امر مورد عتاب مستقیم قرآن کریم است (تکاثر: ۳-۱ / بقره: ۲۷۶).

آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۴) از آیه «کی لا یکون دوله بین الاغنیاء منکم» (حشر: ۷) یک اصل اساسی برای اقتصاد اسلامی برداشت کرده‌اند. از نظر وی در نظام اسلامی بر اساس این آیه فاصله طبقاتی پذیرفته نشده است؛ یعنی اموال و ثروت‌های نظام اسلامی در اختیار گروه خاصی نیست و تداول ثروت و دور زدن آن باید در دست همه مردم باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۴). به باور وی قرآن کریم مال را به منزله خون در پیکر جامعه می‌داند که باید در تمام رگ‌های جامعه جریان داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲-۲۲۱).

آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۷۴) نیز ضمن بیان شأن نزول آیه فیء فلسفه تقسیم فیء را دست‌به‌دست نشدن اموال میان ثروتمندان می‌داند. از نظر وی این آیه یک اصل اساسی را در اقتصاد اسلامی بازگو می‌کند و آن اینکه جهت‌گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به مالکیت خصوصی، برنامه را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که اموال و ثروت‌ها در دست گروهی محدود متمرکز نشود و پیوسته در میان آنها دست‌به‌دست نشود. سپس سازوکار خودکار تحقق توازن بر پایه رعایت مقررات اسلامی در زمینه تحصیل ثروت و نیز مالیات‌هایی چون خمس، زکات و خراج و احکام بیت‌المال و انفال را بیان می‌کند و نتیجه

آن را جلوگیری از دوقطبی شدن جامعه (اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر) می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۵۰۷، به نقل از معلمی، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر مشکل ضمانت‌نامه می‌تواند فقط مشکل پدیدآمده برای دریافت اعتبار و استفاده از آن نباشد. با تبدیل اعتبار به اطمینان، هر مشتری در مظان تأخیر بدهی است. بر این اساس، بانک‌ها نرخ سود را بالا می‌برند تا جبران‌کننده تأخیر احتمالی در بازپرداخت وام باشد. این اقدام می‌تواند به آن بینجامد که تأمین مالی دارای هزینه بسیار زیادی شود که بازپرداخت این سود نیز از توان قشر آسیب‌پذیر جامعه خارج است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله پیش رو اعتبار به عنوان سرمایه اجتماعی زیربنای بحث اعتبار در اقتصاد معرفی شد که می‌تواند در مبادله‌ها انتقال زمانی پدید آورده و واسطه موقت مبادله شود. همچنین اعتبارات بانکی به عنوان ابزاری برای تبدیل این سرمایه اجتماعی به پول معرفی و چگونگی این عمل بحث و بررسی شد.

این نوع نگاه به خلق اعتبار - که در حقیقت کارویژه نظام بانکی است - می‌تواند تحقیق‌های بانکداری بدون ربا را در حوزه مطالعه‌های میان‌رشته‌ای توسعه داده و دامنه مطالعه‌ها و تحقیق‌های آن را از موضوع صرف اقتصادی - فقهی به موضوعی اقتصادی - اجتماعی، فلسفی و حتی سیاسی گسترش دهد. نگاهی که می‌تواند اصل موضوع بانک را تجزیه و تحلیل کند و اصلاح سازوکارهای به‌کارگیری آن را از اصلاحات مربوط به سازوکار بهره و ربا به دیگر اصلاحات ساختاری هم بکشاند؛ به طور مثال مبتنی بر این تحلیل، مسائلی مانند فعالیت بانک‌های خصوصی یا نسبت بانکداری بدون ربا با تداول و تکاثر ثروت می‌تواند سرفصل تحقیق‌های آتی حوزه بانکداری بدون ربا قرار گیرد. همچنین به نظر می‌رسد با گسترش تحقیق‌های میان‌رشته‌ای می‌توان در مطالعه‌های مربوط به بانکداری بدون ربا رویکرد تحلیل نظام‌مند را در پیش گرفت که به این وسیله بتوان تجزیه و تحلیل بانک را در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انجام داد و سیاست‌های لازم را استخراج کرد.

منابع و مأخذ

۱. آگبرن، ویلیام و مایر نیمکف؛ زمینه جامعه‌شناسی؛ چ ۵، تهران: افست، ۱۳۵۰.
۲. بیرو، آلن؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه دکتر باقر ساروخانی؛ چ ۱، تهران: کیهان، ۱۳۶۷.
۳. توانایان‌فرد، حسن؛ فرهنگ تشریحی اقتصاد؛ تهران: نشر الکترونیک و اطلاع‌رسانی جهان رایانه، ۱۳۸۵.
۴. توتونچیان، ایرج؛ اقتصاد پول و بانکداری؛ تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵.
۵. توسلی، غلام‌عباس، «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریات سرمایه اجتماعی»؛ نامه علوم اجتماعی، ش ۲۶، ۱۳۸۴.
۶. چپرا، محمدعمر؛ اسلام و چالش اقتصادی؛ ترجمه سیدحسین میرمعزی، علی‌اصغر هادوی‌نیا، احمدعلی یوسفی و ناصر جهانیان؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
۷. حریری، محمدیوسف؛ فرهنگ موضوعی تشریحی علوم اقتصادی؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۸۸.
۸. دلالی اصفهانی، رحیم؛ «مدل‌سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تأکید بر رهیافت موريس آله»؛ فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ش ۵، ۱۳۹۰.
۹. رحمانی، تیمور و اسدا... فرزین‌وش؛ «درون‌زایی عرضه پول و تأثیر فشارهای هزینه‌ای بر آن در اقتصاد ایران»؛ مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۵۶، ۱۳۷۹.
۱۰. روسدولسکی، رومن، سرمایه مارکس چگونه شکل گرفت؛ ترجمه سیمین موحد، سببتهران: نشر قطره، ۱۳۸۹.
۱۱. شریفی ثانی، مریم؛ «سرمایه اجتماعی: مفهوم‌های اصلی و چارچوب نظری»؛ فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۱، ش ۲، ۱۳۷۹.
۱۲. شعبانی، احمد؛ پول، بهره و تورم؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.

۱۳. فرجی، یوسف؛ پول، ارز و بانکداری؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۰.
۱۴. فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی؛ تهران: البرز، ۱۳۷۱.
۱۵. فرهنگی، علی‌اکبر؛ «اعتبار یا مشروعیت در ارتباطات بین فردی»، مجله رسانه، س ۵، ش ۳، ۱۳۸۸.
۱۶. کلمن، جیمز؛ بنیادهای نظریه اجتماعی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
۱۷. کورتن، دیوید؛ سرمایه‌داری فردا؛ ترجمه کامران سپهری؛ تهران: نشر پژوها، ۱۳۹۲.
۱۸. مطهری، مرتضی؛ ربا، بانک - بیمه؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۴.
۱۹. معلمی، سیدمهدی؛ «دلالت آیه فیء بر قاعده فقهی نفی تداول ثروت»؛ معرفت اقتصاد اسلامی؛ س ۱، ش ۱، ۱۳۹۱.
۲۰. وثوقی، منصور و علی‌اکبر نیک‌خلق؛ مبانی جامعه‌شناسی؛ تهران: خردمند، ۱۳۷۶.
۲۱. هولسمن، یورگ گوئیبدو؛ اخلاق تولید پول؛ ترجمه سیدامیرحسین میرطالبی؛ تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲.
22. Bourdieu, Pierre; "the forms of capital" in a.h.halsey, Philip, brown, lauder weus, amy stuart (eds) **education, culture, economy society**, London, oxford university press, 1997.
23. Jason, soll; "**a theory of mental credit**", submitted to dean jeff huang and dean Gregory hess , for senior thesis, Claremont mckenna college, 2011.
24. Lapavitsas, gostas; "**social foundations of markets, money and credit**"; routledge group, london and newyork, 2003.

25. Lin, nan, "building a network theory of social capital"; In nam lin, katern cook and Ronald s.burt, social capital: **theory and research**, newyork: aldine de gruyter, 1999.
26. Lin, nan; **social capital:a theory of social structure and action**; Cambridge university press, 2001.
27. Macdonald ,scott B.; "**a history of credit and power in the western world**"; united states of America, new Brunswick, new jersey, 2004.
28. Putnam, Robert; bowling alone: the collapse and revival of American community, new york: simon and Schuster, 2000.
29. Stoop, Marina; **Credit Creation and its Contribution to Financial Crises**; Master Thesis for the degree of Master of Science in Management, Technology and Economics (MTEC), Submitted to ETH Zurich, 2010.